

# دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی 9، پیشینه و مضامین

© مارک 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید خود را ارائه می دهد، سخنرانی 9، مرقس: پیشینه و موضوعات.

بسیار خوب، بیایید شروع کنیم. کاری که امروز انجام خواهیم داد این است که به سراغ انجیل شماره دو، انجیل دوم برویم، که می دانیم انجیل مرقس است.

بنابراین، ما کمی سریعتر از متیو از طریق آن حرکت خواهیم کرد. همانطور که گفتم، همانطور که از عهد جدید عبور می کنیم، چندین بار سرعت خود را کم می کنیم و برای نگاهی دقیق تر به پایین می آییم. در مواقع دیگر ما چشم اندازی از بالا خواهیم داشت و به سرعت اسناد را مرور می کنیم.

مرقس یکی از آن اسنادی است که ما به سرعت از آن عبور خواهیم کرد، اما با این حال، من می خواهم روی آنچه در مورد مرقس متمایز است تمرکز کنم، انجیل چگونه کنار هم قرار می گیرد، چه کاری انجام می دهد، و در مورد عیسی چه می گوید، چگونه انجیل مرقس عیسی را معرفی می کند، او چگونه می خواهد ما او را درک کنیم.

با این حال، یک کلمه از اعلامیه، اولین کلمه متوجه خواهید شد که هفته آینده هفته پنجم است، و بنابراین امتحانی در مورد مطالب پس زمینه و انجیل ها در راه است. شما می توانید جمعه آینده را جستجو کنید یا ممکن است تا دوشنبه نباشد.

ما مطمئنًا خواهیم دانست. من می توانم تا دوشنبه هفته آینده ایده بهتری به شما بدهم. بنابراین می توانید به دنبال امتحان شماره یک باشید که هفته ای از امروز یا دوشنبه بعد برگزار می شود، که من نمی توانم به یاد بیاورم که چه روز خاصی است.

این بدان معناست که یک جلسه بحث اسلش جلسه بررسی اعتبار اضافی وجود دارد. من گفتم یکی از راه هایی که می توانید درآمد اضافی کسب کنید یا تنها راه برای کسب اعتبار اضافی در این کلاس این است که چهار جلسه بحث اسلش بررسی وجود خواهد داشت که اساساً با چهار امتحان همزمان خواهد بود. فرصت هایی برای کسانی از شما وجود دارد، من فقط می خواهم این را روشن کنم، برای کسانی از شما که با مرکز پشتیبانی آکادمیک ASC هستند، اگر با آنها در ارتباط هستید، جلسات مطالعه دیگری برای جلسات بررسی وجود خواهد داشت، اما آنها به حساب نمی آیند، آنها جدا از این کلاس هستند.

آنها برای اعتبار اضافی به حساب نمی آیند. تنها جلساتی که برای اعتبار اضافی به حساب می آیند، چهار جلسه ای هستند که من تعیین خواهم کرد، و روز دوشنبه بیشتر در مورد آن به شما خواهم گفت، اما هفته آینده نیز یکی از آن ها وجود خواهد داشت. یک بررسی اعتبار اضافی، دوباره، بسته به کاری که می خواهید با آن انجام دهید، می تواند برای بررسی امتحان استفاده شود، این معمولاً همان چیزی است که اتفاق می افتد، یا برای بحث در مورد هر چیزی که مربوط به مطالب کلاس درس یا عهد جدید است، اما معمولاً به پایان می رسد که یک جلسه بررسی برای امتحان باشد، و این خوب است، اما این چیزی است که برای اعتبار اضافی در دسترس خواهد بود.

چهار مورد از آنها وجود دارد. برای تعداد افرادی که در آن حضور دارید، اعتبار اضافی دریافت خواهید کرد، بنابراین اگر فقط یکی دریافت کنید، برای آن اعتبار اضافی دریافت خواهید کرد. باز هم به شما یادآوری می‌کنم که اعتبار اضافی در امتحان نشان داده نمی‌شود.

در پایان ترم در نمره نهایی شما نشان داده می‌شود، بنابراین من روز دوشنبه نیز اطلاعات بیشتری در مورد آن اعلام خواهم کرد، اما هفته آینده یک جلسه بررسی اعتبار اضافی وجود خواهد داشت و اطلاعات بیشتری در مورد آن به شما خواهم داد. بسیار خوب، بیایید با دعا شروع کنیم، و بعد به انجیل مرقس نگاه می‌کنیم. پدر، برای آخر هفته از تو متشکرم، و دعا می‌کنم که زمانی برای تجدید قوا پیدا کنیم و در عین حال، شاید به مطالعه و هر کار دیگری که باید انجام دهیم پردازیم.

خداوندا، من اکنون دعا می‌کنم که تو به ما کمک کنی تا توجه خود را برای این دوره کلاس بر روی کتاب مرقس متمرکز کنیم، و بتوانیم آن را بشنویم که شاید در زمینه قرن اول شنیده و خوانده شده و درک شده باشد، اما بتوانیم شکاف قرن بیست و یکم را پر کنیم و آن را به عنوان کلام تو برای ما امروز بشنویم. به نام عیسی، ما دعا می‌کنیم. آمین.

بسیار خوب، فقط یک بررسی بسیار کوتاه. ما تازه نگاه کردن به انجیل متی را تمام کردیم و کمی به تصویر متمایز متی از عیسی نگاه کردیم. همانطور که گفتم، شاید از برخی جهات مفید باشد اگر کلیسا فقط یک انجیل بزرگ عیسی را در مورد عیسی داشته باشد، و به نوعی هر چهار انجیل را با هم ترکیب کند تا همه اطلاعات را در یک مکان به ما بدهد.

اما جالب اینجاست که کلیسا اجازه داد چهار انجیل بسیار مجزا و متفاوت باقی بمانند، زیرا همه آنها چیز منحصر به فردی برای گفتن در مورد اینکه عیسی کیست دارند. و وقتی به تصویر متی از عیسی نگاه می‌کنید، به نظر شما چه چیزی در مورد نحوه به تصویر کشیدن عیسی توسط متی منحصر به فرد است؟ اگر چنین سوالی را در امتحان یا چیزی شبیه به آن دیدید، به چه پاسخی می‌دادید؟ چه چیزی در مورد روشی که متی تاکنون عیسی را معرفی می‌کند منحصر به فرد است؟ به نظر می‌رسد که متی بر چه چیزی تأکید می‌کرد؟ او چگونه عیسی را به عنوان چه چیزی یا چه کسی به تصویر کشید؟ به عنوان یک معلم. پنج بلوک گفتمان را به خاطر دارید؟ متی می‌خواهد عیسی را به عنوان یک معلم به تصویر بکشد.

چه چیز دیگری؟ بسیار خوب، این یک مورد بسیار مهم است. به عنوان مسیح، پسر داوود. اما متی در ادامه تأکید کرد که عیسی نه تنها پسر داوود یا مسیح موعود برای یهودیان، بلکه برای غیریهودیان نیز هست.

این یک موضوع بسیار کلیدی در متی است. همراه با عیسی به عنوان یک معلم، عیسی پسر داوود، مسیح موعود است که در تحقق وعده‌های عهد عتیق است. اما او مسیح و پسر داوود است نه فقط برای یهودیان، بلکه برای غیریهودیان نیز.

چیز دیگه؟ متی عیسی را چگونه به تصویر کشید؟ به عنوان یک موسی جدید. به همین ترتیب، موسی قوم خود را از مصر هدایت و نجات داد و آنها را نجات داد، به همین ترتیب، عیسی به عنوان موسی جدید می‌آید، به عنوان کسی بزرگتر از موسی برای نجات و نجات قومش. و من فکر می‌کنم یک عنوان دیگر وجود دارد که ما به آن نگاه کردیم یا یک ویژگی متمایز.

او یک معلم است، او یک مسیح است، پسر داوود برای یهودیان و غیریهودیان، او یک موسی جدید است، کسی که می‌آید و مردم را نجات می‌دهد. او کسی است که عهد عتیق را به انجام می‌رساند. عیسی اوج کل عهد جدید است.

تمام داستان ها، مضامین و نقوش عهد جدید همگی اوج و تحقق خود را در شخص عیسی مسیح پیدا می کنند. و سپس فکر می کنم گفتیم که عیسی نیز به عنوان پسر خدا به تصویر کشیده شده است، کسی که در یک رابطه منحصر به فرد با پدر قرار دارد. بنابراین اینها موضوعاتی هستند که متی به ویژه هنگام نقاشی پرتره ای از عیسی مسیح بر آنها تأکید می کند.

حال، کاری که امروز انجام خواهیم داد این است که علاوه بر نگاه کردن به پیام اصلی و هدف مرقس و ویژگی های منحصر به فرد مرقس، می خواهیم نسبت به نحوه به تصویر کشیدن عیسی توسط مرقس هوشیار باشیم. مرقس بر چه چیزی در مورد عیسی تأکید می کند که ممکن است لزوماً در متی وجود نداشته باشد، اگرچه در نحوه رفتار مرقس و متی با عیسی نیز همپوشانی هایی وجود دارد؟ اما با شروع مرقس، اولین سوالی که در مورد انجیل شماره دو یا انجیل دوم پرسیده می شود، این است که نویسنده کیست؟ خوب، ممکن است بگویید، خوب، این نسبتاً آسان است. این مرقس است زیرا کتاب مقدس آن را می گوید، انجیل به گفته مرقس.

اما به یاد داشته باشید که ما گفتیم که انتساب تألیف به چهار انجیل واقعا با کلیسای بعدی همراه بود. وقتی مرقس در ابتدا انجیل خود را نوشت، انجیل را طبق مرقس شروع نکرد. سپس در ابتدای انجیل عیسی مسیح، او انجیل را بر اساس مرقس نوشت.

آن توسط کلیسای بعدی در آنجا قرار داده شد. با این حال، من فکر می کنم این به معنای منعکس کردن این است که یک سنت قابل اعتماد و درک و نشانه قابل اعتماد از اینکه نویسنده آن چه کسی بوده است. منبع اصلی درک ما، یا یکی از منابع اصلی درک ما، بیانیه فردی به نام پاپیاس است.

پاپیاس، فردی که خیلی زود، اندکی پس از شکل گیری عهد جدید، نوشت که مرقس مفسر پطرس بود، و بنابراین مؤدۀ مرقس در سطحی قرار است موعظه و تعلیم پطرس را منعکس کند. بنابراین، مرقس یکی از همکاران پطرس بود. او همچنین در برخی از نامه های پولس ذکر شده است، ظاهراً یکی از همکاران پولس نیز هست.

بنابراین، مرقس یکی از همکاران پطرس بود، و شاید از نوع مترجم پطرس بود. او به نوعی در سطحی خلاصه می کند و بر آنچه که پطرس آموزش می داد و موعظه می کرد تأکید می کند. حال، چرا انجیل مرقس نوشته شد؟ حالا بحث کردم که آیا باید با این شروع کنم یا خیر.

احتمالاً بهتر است پس از اینکه به ویژگی های متمایز مرقس نگاه کردیم، آن را تا انتها ذخیره کنیم، اما ممکن است به ما کمک کند تا ویژگی های متمایز مرقس را ببینیم، اگر قبلاً درک درستی از هدف مرقس داشتیم. جالب اینجاست که تعدادی از پدران کلیسا و رهبران اولیه کلیسا نیز وجود دارند، و دوباره، پدران کلیسا آن رهبران کلیسا هستند که از قرن دوم تا تقریباً قرن چهارم پس از میلاد زندگی می کردند. به طور تقریبی، می دانید، تا دویست یا سیصد سال پس از نوشتن عهد جدید. اما به نظر می رسد تعدادی از پدران کلیسا کتاب مرقس، مؤدۀ مرقس، را با روم و شهر روم مرتبط می دانند.

بنابراین به احتمال زیاد، مرقس احتمالاً در قرن اول کلیسا یا کلیساهای را خطاب قرار می دهد. احتمالاً در بیشتر شهرها، یک کلیسا وجود نداشت. کلیساهای خانگی کوچکتری وجود داشت، به خصوص در شهری به اندازه رم.

اینکه آیا آنها در مواردی دور هم جمع شده اند یا نه امکان پذیر است، مطمئن نیستیم. اما به احتمال زیاد، مرقس احتمالاً گروهی از مسیحیان، کلیساهای خانگی در شهر رم را که در حال مبارزه هستند،

خطاب قرار می دهد. اگر به یاد داشته باشید، نرون، مدت زیادی پس از نوشتن انجیل مرقس یا تقریباً در همان زمان، این زمانی بود که نرون ویرانی به بار آورد.

نرون امپراتوری است که مسیحیان را ویران کرد و با آنها نسبتاً بی رحمانه رفتار کرد. بنابراین، مسیحیان در شهر رم به سختی کار می کردند. و مرقس احتمالاً مسیحیانی را خطاب قرار می دهد که در محیط خصمانه روم با ایمان خود دست و پنجه نرم می کنند.

اینکه آیا او مسیحیانی را خطاب قرار می داد که واقعا در زمان نرون مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند، یا بعد از آن یا قبل از آن، مشخص نیست. اما شاید مرقس مسیحیان یا کلیسائی را که در رم زندگی می کنند و در تلاش هستند تا ایمان خود را در محیط خصمانه رم زندگی کنند، خطاب قرار دهد. و حالا مارک اساساً می خواهد بنویسد تا آنها را تشویق کند، تا به آنها نشان دهد که در حال مبارزه هستند.

اساساً، کاری که او می خواهد انجام دهد این است که بگوید این واقعیت که آنها رنج می برند و مبارزه می کنند، چیزی کمتر از قلب انجیل نیست. این واقعیت که آنها رنج می برند و مبارزه می کنند، دقیقاً همان مسیری را دنبال می کند که عیسی مسیح نیز طی کرد. بنابراین، انجیل مرقس بسیار شبانی است.

یعنی، دوباره، مرقس فقط نمی نویسد، این یک زندگی مسیح است، فقط در صورتی که شما علاقه مند هستید. مرقس سعی می کند مسیح و زندگی مسیح را به گونه ای به تصویر بکشد که خوانندگان را که با ایمان خود و پیروی از مسیح در این محیط خصمانه در شهر رم دست و پنجه نرم می کنند، مخاطب قرار دهد. و اکنون مرقس می نویسد تا با نشان دادن آنها آنها را تشویق کند و نشان دهد که زندگی مسیح اینگونه پیش رفت.

این یکی از رنج ها بود. و بنابراین، خوانندگان او نباید انتظار کمتری داشته باشند. در حقیقت، انجیل مرقس، روشی که کنار هم قرار گرفته است، حالا کامپیوتر من یخ زده است.

روشی که مارک کنار هم قرار می گیرد، در یادداشت های خود متوجه خواهید شد، این است که می توان آن را به سه بخش تقسیم کرد. 13 آیه اول مرقس به نوعی مقدمه است. آنها شما را با شخصیت های اصلی آشنا می کنند و به نوعی شما را با آنچه کتاب در مورد آن است آشنا می کنند.

اما بقیه انجیل، که از آیه 14 تا فصل 8 و در مورد آیه 30 شروع می شود، کل آن بخش از مرقس اساساً به خدمت مسیح اختصاص دارد. این فقط به شما گزارشی از کارهایی که مسیح انجام داد می دهد. و اساساً، تنها کلمه ای که به نوعی خدمت مسیح را در این فصل ها مشخص می کند این است که مسیح پیروز است.

چند روز پیش در یک سخنرانی برای یک نامزد دیارتمان مطالعات کتاب مقدس بودم و او تعدادی اسلاید از نقاشی های باستانی و پرتره هایی از انجیل مرقس را نشان داد. و بشارت مرقس تقریباً همیشه به یک شیر، حیوان، مربوط بود. اغلب در اولین قرن های اولیه کلیسا، چهار انجیل اغلب با حیوانات مختلف مرتبط بودند.

یحیی یک عقاب بود و مرقس با یک شیر مرتبط بود. این نشان دهنده هشت فصل اول مرقس است که در آن عیسی به عنوان پیروز به تصویر کشیده شده است. و در این بخش تأکید زیادی بر الوهیت مسیح وجود دارد.

ما فقط در یک لحظه آن را خواهیم دید. بنابراین، عیسی معجزات انجام می دهد، مردم را شفا می دهد، عیسی گناهان کسی را می بخشد، و کسی می گوید، هیچ جز خدا نمی تواند گناه را ببخشد. بنابراین، عیسی به

عنوان پیروز به تصویر کشیده می شود، که این سخنرانی که در آن بودم نشان می دهد که به همین دلیل است که شیر اغلب با انجیل مرقس مرتبط است.

با این حال، از فصل 8 آیه 31، انجیل چرخشی شدید به خود می گیرد. در آن که با فصل 8 آیه 31 شروع می شود تا پایان انجیل، تأکید بر رنج عیسی و مرگ نهایی او می شود. حال چه چیزی در مورد این طرح کلی منحصر به فرد و جالب است؟ فقط با نگاه کردن به آن در یادداشت های خود، تقسیم انجیل، چه چیزی را در مورد آن جالب می بینید؟ چه نوع از نظر ساختار مارک برای شما برجسته است؟ کم و بیش، هر دو بخش میانی، بخش دوم و بخش سوم، تقریباً از نظر طول برابر هستند.

درست است. به جز مقدمه، دو بخش اصلی، خدمت عیسی که در آن پیروز است، و بقیه آن به همان اندازه طول دارند. این روش دیگری برای گفتن این است که حدود نیمی از انجیل مرقس به رنج و مرگ عیسی مسیح اختصاص دارد.

به حدی که یکی از محققان گفت که مرقس اساساً یک روایت شور و اشتیاق با مقدمه ای طولانی است و سعی می کند این واقعیت را برجسته کند که مرقس بر رنج و مرگ عیسی مسیح در تناسب با میزان سایر انجیل ها تأکید می کند. بنابراین تقریباً نیمی از انجیل مرقس به مرگ و رنج عیسی مسیح اختصاص دارد. عیسی با فصل 8، آیه 31 شروع می شود، راهپیمایی خود را به سمت اورشلیم آغاز می کند، و همه چیز در رنج و پیشگویی های رنج او بیان می شود، این واقعیت که او خواهد مرد، و سپس سرانجام مرگ عیسی را در فصل های آخر مرقس روایت می کند.

بنابراین تقریباً نیمی از انجیل به رنج و مرگ عیسی مسیح اختصاص دارد. فکر می کنید چرا ممکن است اینطور باشد؟ با توجه به آنچه در مورد هدف گفتیم، فکر می کنید چرا مارک این کار را کرد؟ دوباره، می توانید ببینید که نویسندگان انجیل فقط تاریخ را روایت نمی کنند. بله، من فکر می کنم آنها تاریخی هستند، اما آنها اطلاعات را به گونه ای کنار هم قرار می دهند که دیدگاه الهیاتی آنها را در مورد مسیح منتقل کنند.

با توجه به هدفی که در مورد آن صحبت کردیم، چرا مرقس ممکن است نیمی از انجیل را به مصائب و رنج و مرگ مسیح اختصاص دهد؟ برای نشان دادن مسیحیانی که در حال مبارزه هستند و شاید تا حدی از دست روم برای ایمانشان رنج می برند، مرقس نشان می دهد که این بخشی از معنای پیروی از عیسی مسیح است. خود عیسی رنج کشید. در واقع، دو نیمه انجیل هر دو ضروری هستند.

مرقس هر دوی آنها را روایت می کند تا حتی بتوانیم بگوییم که پیروزی عیسی از طریق رنج به دست آمد. و بنابراین، خوانندگان مرقس نیز پیروز خواهند شد، اما باید مسیر رنج را طی کنند. بنابراین دوباره، حتی روشی که مرقس مژده خود را با اختصاص نیمی از آن به مصائب و رنج و مرگ مسیح ساختار داده است، او سعی می کند چیزی به خوانندگان بگوید که چگونه باید به رنج خود نیز نگاه کنند.

یکی دیگر از موضوعات کلیدی، یکی از موضوعات کلیدی در انجیل مرقس این است که مرقس نیز، اگرچه این تنها موضوع یا موضوع اصلی نیست، اما یک موضوع کلیدی این است که مرقس عیسی را به عنوان یک خروج جدید معرفی می کند. و جایی که او به آن می رسد این است. در عهد عتیق پیامبران، به ویژه اشعیا نبی در عهد عتیق، اشعیا نبی، در سراسر کتاب خود، نجات خدا از اسرائیل را ارائه می دهد.

و به یاد داشته باشید، اسرائیل به خاطر گناهان و نافرمانی خود در تبعید است. اشعیا نبی به بنی اسرائیل می گوید که خدا برای نجات آنها، نجات آنها، بازگرداندن آنها و بازگرداندن آنها به عنوان قوم خود مداخله خواهد کرد. جالب اینجاست که بیش از هر پیامبر دیگری، اشعیا نبی آن رهایی و نجات را به عنوان یک خروج جدید به تصویر می کشد، مانند خروج قدیمی در کتاب خروج.

به همان روشی که خدا قوم خود را در زمان موسی نجات داد، به همین ترتیب آنها را از اسارت در مصر نجات داد. به یاد داشته باشید، اسرائیلی ها در مصر تحت اسارت و ستم خارجی بودند. به همین ترتیب، خدا آنها را نجات داد و به زمین آورد، خدا این کار را در دیگری انجام می دهد، یک خروج جدید و بزرگتر دوباره در آینده.

حال، چیزی که مرقس می خواهد شما درک کنید این است که عیسی در حال افتتاح آن خروج جدید از کتاب اشعیا است. آن خروج و نجات و رهایی جدید که اشعیا به خدا وعده داده بود، اکنون عیسی بالاخره آن را به ارمغان می آورد. و بنابراین، مرقس، دیدیم که در متی نیز وجود داشت.

متی عیسی را به عنوان موسی جدید معرفی کرد و قومش را از تبعید نجات داد، اما مرقس نیز این کار را انجام می دهد. مرقس همچنین تأکید می کند که عیسی این انتظار نبوی از اشعیا را برای خروج جدید برآورده می کند، جایی که خدا قومش را نجات می دهد و خلقت جدیدی را به ارمغان می آورد و نجات و رستگاری آنها را به ارمغان می آورد. و اکنون عیسی مسیح در حال تحقق و انجام آن بود.

یکی از آیات کلیدی مرقس که باید از آن آگاه باشید، خواه آیه اصلی مرقس باشد، به همین دلیل است که من آن را یک آیه کلیدی می نامم و نه لزوماً آیه کلیدی، اما به نظر می رسد که چگونه مرقس می خواهد عیسی را معرفی کند، و در واقع ممکن است به نوعی دیدگاه اولیه مرقس از عیسی را در بر بگیرد و خلاصه کند. در فصل 10 در بخش رنج، فصل 10 و آیه 45 یافت می شود. بنابراین، مرقس 10 و آیه 45، مرقس خلاصه می کند و می گوید، زیرا پسر انسان نیامد تا خدمت شود، بلکه برای خدمت و فدی جان خود برای بسیاری نیامد. در واقع، این آیه ممکن است منعکس کند، دوباره اکنون باید دوباره به عهد عتیق برگردید، دوباره در اشعیا نبی همچنین نه تنها در مورد خروج جدید، بلکه در مورد این موتیف خدمتگزار رنج کشیده از خروج 53 نیز صحبت می کند.

شما آن متن را به یاد دارید، همه ما گوسفندان را دوست داریم گمراه شده اند. این همه در زمینه این خدمتکار رنج کشیده است که به نمایندگی از اسرائیل رنج می برد. اکنون عیسی به این شکل به تصویر کشیده می شود.

بنابراین، این آیه 10: 45، پسر انسان نه برای خدمت آمدن، بلکه برای خدمت و فدا کردن زندگی خود در مرگ به عنوان فدی برای بسیاری از افراد، ممکن است حداقل یکی از تأکیدات کلیدی مرقس در مورد عیسی مسیح را خلاصه کند، که او خدمتگزار رنج کشیده است. او کسی است که می آید تا برای مردمش رنج بکشد، و این به خوبی با هدف مرقس مطابقت دارد، خطاب به مسیحیانی که رنج می برند و برای زندگی بر اساس ایمان خود در محیط خصمانه روم تلاش می کنند. و اکنون عیسی به عنوان آن خدمتکار رنج کشیده از اشعیا به تصویر کشیده شده است که می آید تا جان خود را به عنوان فدی برای بسیاری بدهد.

بنابراین، به یاد داشته باشید که مرقس 10: 45 یک آیه کلیدی برای درک تصویر مرقس از عیسی مسیح است. بنابراین این کمی در مورد نحوه کنار هم قرار دادن انجیل است. اما می خواهم به طور خاص تری تمرکز کنم، همانطور که روی متی انجام دادیم.

برخی از موضوعات کلیدی مارک چیست؟ باز هم، او به جز خروج جدید از اشعیا که دیدیم، رنج عیسی، یا تأکید بر مرگ او، رنج او، بر چه چیزی تأکید می کند؟ مرقس بر چه چیز دیگری تأکید می کند که شما در انجیل های دیگر تأکید نمی کنید یا به همان میزان تأکید نمی کنید؟ باز هم دیدیم که متی عیسی را به عنوان موسی جدید معرفی می کند. او را به عنوان معلم معرفی می کند.

او او را به عنوان پسر داوود، مسیح موعود یهودیان و غیریهودیان، به عنوان تحقق عهد عتیق و متون مقدس عهد عتیق معرفی می کند. مرقس چگونه عیسی را معرفی می کند؟ اولین چیز این است که در کنار این موضوع رنج، نادرست است که فقط روی رنج او تمرکز کنیم، زیرا مرقس نیمی از انجیل خود را به خدمت عیسی اختصاص می دهد، جایی که عیسی به عنوان پیروز به تصویر کشیده می شود. و پیروز.

اما اولین چیزی که باید در مورد مرقس بگوییم این است که به نظر می رسد مرقس بیش از هر انجیل دیگری، تعادل بین انسانیت عیسی و الوهیت او را حفظ و تأکید می کند. مرقس می خواهد عیسی را هم الهی و هم در عین حال یک انسان به تصویر بکشد. و دوباره، این کاملاً با هدف مرقس مطابقت دارد، نشان دادن اینکه عیسی هم به عنوان خدا پیروز است، اما او همچنین انسانی است که برای قومش رنج می برد.

و این با پیام او مطابقت دارد، تا به خوانندگان نشان دهد که مسیر پیروزی، خوانندگان پیروزی است، اما آنها باید قبل از هر چیز مسیر رنج را طی کنند. دوباره، خطاب به مسیحیانی که در محیط خصمانه روم رنج می برند و با ایمان خود دست و پنجه نرم می کنند. بنابراین، مرقس عیسی را به عنوان تعادلی بین انسانیت و الوهیت خود به تصویر می کشد.

باز هم تأکید زیادی بر الوهیت عیسی وجود دارد. به عنوان مثال، در فصل... یکی از واضح ترین نشانه های این امر در اوایل انجیل است. در فصل 2 و آیه 5. فصل 2 و آیه 5. این یکی از معجزاتی است که عیسی در اوایل انجیل انجام می دهد.

اینجا جایی است که عیسی در یک خانه درس می دهد، و این افراد کسی را دارند که فلج است، که فلج است، و او را روی حصیر حمل می کنند. آنقدر شلوغ است که نمی توانند او را وارد خانه کنند، بنابراین از پشت بام بالا می روند و او را پایین می آورند. و عیسی او را خطاب می کند و می گوید... این فصل 2 و آیه 5 است. عیسی خطاب به این فرد می گوید وقتی عیسی ایمان آنها را دید، به فلج و پسر مرد فلج گفت: گناهان تو آمرزیده شده است.

و سپس ادامه می دهد و می گوید، برخی از کاتبان... کاتبانی را که در مورد آنها صحبت کردیم به خاطر دارید؟ کارشناسان کسانی بودند که مسئول ثبت و مطالعه قانون، عهد عتیق بودند. کاتبان آنجا نشسته اند و در دل خود می پرسند که چرا این مرد اینگونه سخن می گوید؟ اشاره به عیسی. این کفر است.

چه کسی می تواند گناهان را ببخشد جز فقط خدا؟ خوب، آنها آن قسمت را درست فهمیدند. بنابراین در بخشش گناهان، عیسی اساساً امتیازی را بر عهده می گیرد که فقط به خدا تعلق دارد. و کاتبان به درستی فهمیدند که در بخشیدن گناهان، او ادعا می کند که خدا است.

بنابراین، مرقس این تعادل را بین الوهیت عیسی به عنوان کسی که مانند خدا فقط می تواند گناهان را ببخشد، دارد. اما بعد برمی گردد و می گوید، اما پسر انسان نه برای خدمت آمدن، بلکه برای خدمت و فدیة دادن جان خود برای بسیاری آمد. بنابراین این تعادل بین انسانیت عیسی و الوهیت او است.

باز هم، این کاملاً با آنچه مارک سعی دارد در خطاب قرار دادن خوانندگانی که رنج می برند و برای زندگی بر اساس ایمان خود در شهر رم تلاش می کنند، انجام دهد، مطابقت دارد. ممکن است چند چیز دیگر وجود داشته باشد که باید بر آنها تأکید کنم. یکی از آنها این است که مارک نیز ممکن است... مارک همچنین ممکن است، اگرچه فکر نمی کنم این کار اصلی او باشد، اما ممکن است در دنیای قرن اول به این ایده که اغلب به عنوان یک انسان الهی شناخته می شد، واکنش نشان دهد.

این تصویری از عیسی به عنوان نوعی معجزه گر ماوراء طبیعی است. و بنابراین شاید مرقس نیز بخواهد با نشان دادن اینکه نه، عیسی فقط یک معجزه گر ماوراء طبیعی نیست، یک انسان الهی است، این موضوع را کاهش دهد. او همچنین یک انسان رنج کشیده است.

علاوه بر این، نکته دیگری که باید بر آن تأکید کنم این است که مرقس اغلب عیسی را به عنوان ادعایی که پسر انسان است به تصویر می کشد. حالا، سوال این است که منظور او از این حرف چیست؟ در واقع، در تمام انجیل ها، به یک معنا، ما کمی در مورد همه انجیل ها صحبت می کنیم، اما مرقس در جاهای متعدد از عیسی به عنوان پسر انسان یاد می کند یا عیسی خود را پسر انسان می نامد. منظور او از این حرف چیست؟ و معمولاً کاری که ما انجام داده ایم، و یک سنت طولانی در ارتباط دادن پسر انسان و پسر خدا وجود دارد، به طوری که پسر خدا به الوهیت عیسی اشاره می کند، این واقعیت که او خدا است، او در یک رابطه منحصر به فرد با خدا قرار دارد، و پسر انسان اشاره ای به انسانیت عیسی است.

چند نفر از شما آن را اینگونه شنیده اید؟ همیشه به من اینگونه آموزش داده شده است. حتی چند سرود وجود دارد که ما می خوانیم که نشان دهنده آن است. باز هم، پسر انسان به این معنی است که عیسی یک انسان بود.

پسر خدا به این واقعیت اشاره می کند که او خدا بود. این فقط تا حدی درست است. پسر انسان، به احتمال زیاد، عنوان پسر انسان در بیشتر موارد از کتاب دانیال در عهد عتیق و به ویژه دانیال فصل 7 آمده است. و به آنچه دانیال می گوید گوش دهید.

او می گوید، اول از همه، دانیال یک رویا دارد، و او رویای چهار جانور را می بیند، این چهار جانور وحشتناک. پنجمین چیزی که او می بیند، پس از دیدن این چهار جانور، چیز دیگری را می بیند، و این چیزی است که هست. او می گوید: «و من تماشا کردم، و تخت ها در جای خود قرار گرفتند، و یک تخت باستانی، یا قدیم ایام، آشکارا خدا، تخت خود را گرفت.

لباسش مانند برف سفید بود، موهایش و سرش مانند پشم خالص بود. تاج و تخت او شعله های آتشین بود، چرخ هایش آتش می سوزاند. جریانی از آتش از حضور او بیرون می آمد و جاری می شد، و غیبه و غیبه.

دادگاه در قضاوت نشست و کتاب ها باز شدند. و من پس از آن تماشا کردم، به دلیل سر و صدای کلمات متکبرانه از شاخ، که از یکی از آن جانوران بود، و من تماشا کردم، و جانور به مرگ داده شد. و او می گوید، و سپس من تماشا کردم، و من دیدم که یکی مانند یک پسر انسان، آمدن با ابرهای آسمان.

و نزد قدیم آمد و نزد او حاضر شد. به او، به پسر انسان، سلطنت و شکوه و پادشاهی داده شد، که همه مردم، ملت، و زبان به او خدمت. سلطنت او جاودانه ای است که هرگز از بین نخواهد رفت.

و پادشاهی او پادشاهی است که هرگز نابود نخواهد شد. حالا از شما می پرسم، آیا این برای شما شبیه یک انسان است؟ این پسر انسان که در ابرهای آسمان می آید و یک پادشاهی جاودان جاودان. منظورم این است که او فقط می تواند به تخت سلطنت قدیم ایامها صعود کند و پادشاهی ابدی ابدی دریافت کند.

آیا این برای شما شبیه یک انسان صرف است؟ من پیشنهاد می کنم که پسر انسان به همان اندازه عنوان الوهیت عیسی است، همانطور که انسانیت او بود. گاهی اوقات عیسی می توانست آن را برگرداند و بگوید، بله، این پسر انسان از دانیال 7، این موجود آسمانی متعالی از دانیال 7، گاهی اوقات او را به عنوان رنج کشیده در انجیل مرقس به تصویر می کشند. بنابراین، این یک کلمه بود، یک عبارت، پسر انسان عنوانی بود که به خوبی با اهداف عیسی مطابقت داشت.



او می توانست از آن برای اشاره به این واقعیت استفاده کند که او در واقع این پسر انسان است، این موجود آسمانی الهی که پادشاهی ابدی را از دانیال 7 دریافت می کند. اما بعد می توانست برگردد و بگوید، اما پسر انسان رنج می کشد و می میرد. بنابراین این عبارتی است که او می تواند اغلب برای اهداف خود استفاده کند. اما نکته این است که فکر نکنید که پسر خدا به معنای الوهیت است، پسر انسان به معنای بشریت است.

این کار به این آسانی نیست. پسر انسان از دانیال 7 به همان اندازه عنوان الوهیت عیسی است. پسر انسان از دانیال 7 به آن موجود آسمانی اشاره می کند که پادشاهی ابدی را دریافت خواهد کرد.

این مطمئناً چیزی بیش از یک عنوان انسانیت او است. بسیار خوب. یکی دیگر از ویژگی های جالب مرقس، اولین ویژگی آن تعادل بین انسانیت و الوهیت عیسی است، که همانطور که دیدیم، به خوبی با هدف مرقس مطابقت دارد، تشویق مسیحیان رنج کشیده و مبارزه.

تأکید جالب دیگر در مرقس، که دوباره، منحصر به مرقس نیست، اما مطمئناً بر آن تأکید شده است، چیزی است که اغلب به آن راز مسیحایی یا مسیح مخفی می گویند. و منظور من از این این است. وقتی مرقس را بارها می خوانید، کسی را پیدا می کنید، عیسی کاری انجام می دهد و کسی می گوید، شما مسیح هستید.

یا حتی عیسی از کسی می پرسد که شما می گویند من کی هستم؟ آنها خواهند گفت، شما مسیح هستید. و او خواهد گفت، حالا نروید و به کسی نگویند. خوب، چرا عیسی این کار را می کند؟ منظورم این است که این یک استراتژی بشارتی خیلی خوب نیست، که آنها آن را درست انجام دهند.

بله، تو مسیح موعود هستی. و سپس او می گوید، خوب، نروید به کسی بگویید. فکر می کردم این خبر باید به همه ملت ها منتقل شود.

و اکنون عیسی به مردم می گوید که به کسی نگویند که او کیست. محققان آن را راز مسیحایی یا من می گویم مسیح مخفی می نامند. عیسی اساساً سعی می کند آن را ساکت نگه دارد و نمی خواهد آن را گسترش دهد.

فکر می کنید چرا اینطور است؟ چرا عیسی به مردم می گوید که به همه نگویند که او کیست؟ بسیار خوب، بنابراین بخشی از آن به این دلیل است که درک کامل از اینکه عیسی کیست به دست نمی آید، مسیح موعود کامل او تا پس از رستاخیزش به دست نمی آید، که ماهیت واقعی مسیح موعود او را نشان می دهد. بنابراین، بخشی از آن این بود که او تا زمان مرگ و رستاخیزش به طور کامل وارد سلطنت خود به عنوان مسیح نشده بود. احتمالاً یک دلیل دیگر نیز وجود دارد.

من فکر می کنم این یکی از آنهاست. بنابراین احتمالاً برای جلوگیری از سوء تفاهم، حق با شماست. اگر بخواهیم به برخی از تاریخ و تاریخ سیاسی که به آن نگاه کردیم، تصور اکثر یهودیان از مسیح موعود کسی بود که می آمد و رومیان را از بین می برد.

این پادشاه ما است که با عصای آهنی حکومت خواهد کرد. منظورم این است که آیا اشعیا فصل 9 این را نگفت؟ برای ما پسر متولد می شود، فرزندی داده می شود، او بر تخت خود می نشیند و تا ابد حکومت می کند. و بنابراین این آن مسیح است که بر دشمنان اسرائیل حکومت خواهد کرد، به این معنی که او رومی ها را از بین خواهد برد.

اما عیسی چنین پادشاهی را ارائه نمی دهد. عیسی هنوز به عنوان یک پادشاه نیامده است. او اول می آید تا برای گناهان مردم رنج بکشد و بمیرد.

و بنابراین، یکی از دلایل نیز نه تنها به این دلیل است که، فکر می‌کنم دقیقاً حق با شماست، مسیح موعود بودن عیسی تا پس از رستاخیز او به طور کامل درک نمی‌شد، بلکه برای جلوگیری از سوء تفاهم بود. دوباره، اگر این کلمه را پخش کنید که اینجا یک مسیح موعود است، مردم ممکن است به دلیل اشتباهی بیایند و فکر کنند که این نجات دهنده ما است که رومیان را از حکومت آنها برکنار خواهد کرد. بنابراین، به همین دلیل، عیسی مکرراً به مردم می‌گفت که ساکت بمانند، احتمالاً برای اینکه اشتباه فهمیده نشوند که او چه نوع مسیح موعود است.

زیرا باز هم او قبل از هر چیز می‌آید تا برای گناهان مردم رنج بکشد و بمیرد. این در حال حاضر خواهد بود. ما را در حال حاضر به خاطر می‌آورید اما هنوز نه؟ هنوز زمانی نیست که او با عصای آهنین می‌آید تا حکومت کند و پادشاهی خود را برپا کند و دشمنانش را شکست دهد.

اما در حال حاضر، اولین باری که عیسی می‌آید تا خود را به عنوان مسیح موعود تقدیم کند، می‌آید تا رنج بکشد و برای مردم بمیرد. موضوع مهم دیگر، مانند متی در مرقس، تأکید بر شاگردان و شاگردی است. بنابراین، بر این گروه از پیروان که عیسی گرد هم می‌آورد، تأکید می‌شود، که آنها را آموزش می‌دهد و برای ادامه خدمت خود آماده می‌کند.

با این حال، یک پیچ و تاب جالب در مارک وجود دارد. وقتی مرقس و متی را مقایسه می‌کنید، به نظر می‌رسد که مرقس شاگردان را کمی منفی‌تر به تصویر می‌کشد. یعنی شاگردان مرقس بارها و بارها به تصویر کشیده می‌شوند که فقط آن را درک نمی‌کنند.

آنها مبهم هستند، سوء تفاهم می‌کنند، شکست می‌خورند، ایمان ندارند، آنها کاملاً آن را درک نمی‌کنند. شاگردان بارها و بارها در انجیل مرقس به این شکل به تصویر کشیده شده‌اند، در حالی که در متی هنوز هم گاهی اوقات در درک آن مشکل دارند. اما وقتی این دو را با هم مقایسه می‌کنید، این بدان معنا نیست که متیو آنها را با نور بهتری به تصویر می‌کشد، فقط به نظر می‌رسد که مارک آنها را با نور کمتری نسبت به مثلاً متیو به تصویر می‌کشد.

باز هم، او آنها را سوء تفاهم می‌کند، او باعث می‌شود که آنها آن را درک نکنند، و ایمان زیادی ندارند. باز هم می‌توان این سوال را پرسید که چرا مارک این کار را می‌کند؟ چرا مرقس شاگردان را به تصویر می‌کشد و بر ناکامی آنها در درک آن، عدم درک آن، ضعف و بی‌ایمان آنها تأکید می‌کند؟ چرا مارک این کار را می‌کند؟ دوباره، بیایید به عقب برگردیم و به هدف فکر کنیم، چرا مارک می‌نویسد، پس زمینه و مارک برای چه کسی می‌نویسد. با توجه به آن، چرا مرقس ممکن است شاگردان را کمی منفی‌تر به تصویر بکشد؟ باز هم، آنها فقط آن را درک نمی‌کنند، نمی‌فهمند، نمی‌فهمند، باور نمی‌کنند.

بله؟ مطمئن. مطمئناً بله. اگر شاگردانی که به عیسی نزدیکتر هستند تلو تلو خوردند و تولا کردند، مطمئناً این به معنای تشویق خوانندگان مرقس است که به همین ترتیب در حال مبارزه هستند و ممکن است فکر کنند که در ایمانشان شکست خورده‌اند، و به آنها نشان می‌دهد، نه، که حتی شاگردان عیسی نیز تلاش کردند.

بنابراین، تصویر مارک، حتی به تصویر کشیدن او از شاگردان، احتمالاً به معنای بازتاب مبارزاتی است که خوانندگان مارک نیز از سر می‌گذرانند. موضوع مهم دیگر در مرقس تأکید بر خبر خوب یا مژده است. اولین آیه با این آغاز می‌شود، آغاز انجیل، یا خبر خوب، بسته به اینکه چه ترجمه‌ای دارید.

مرقس تنها کسی از چهار انجیل است که در واقع کتابش را خبر خوش یا انجیل می نامد. اکنون این ممکن است لزوما اشاره ای به نوع ادبیات نباشد، بلکه بیشتر محتوا است. اما مرقس اولین انجیل یا اولین انجیل از چهار انجیل است، تنها چهار انجیلی است که کتاب او را خبر خوب یا انجیل می نامد.

علاوه بر این، مرقس هفت بار کلمه انجیل، شکلی از کلمه انجیل، یا مژده را شامل می شود. در حالی که من فکر می کنم متی ممکن است داشته باشد، فکر می کنم او چهار بار آن را داشته است، و به یاد نمی آورم، لوقا ممکن است یک یا دو بار آن را داشته باشد، اما واضح است، به ویژه با توجه به این واقعیت که مرقس بسیار کوتاه تر از سایر انجیل ها است، مرقس این کلمه را هفت بار اضافه کرده است، که نشان می دهد چیز مهمی در مورد آن وجود دارد. حال، چه چیزی در مورد این کلمه مهم است؟ باز هم، ما به نوعی آن را گرفته ایم و یک اصطلاح نسبتاً فنی در مورد آن ساخته ایم.

انجیل به معنای پیامی در مورد مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب برای گناهان من است، و من باید به همه بگویم تا به نام عیسی ایمان بیاورند، و زندگی ابدی داشته باشند، و آمرزش گناهان. و این مطمئناً درست است. اما منظور مرقس از این اصطلاح چیست؟ او آن را از کجا آورد؟ باز هم، دو پیشینه مهم وجود دارد.

و شما باید درک کنید، این دوباره به بررسی ما در مورد فضای سیاسی و تاریخی منتهی به عهد جدید برمی گردد. حتی نویسندگانی که کاملاً یهودی بودند، مانند متی، حتی نویسندگانی که در تفکر و جهت گیری خود کاملاً یهودی بودند، از تأثیر حکومت روم و همچنین زبان یونانی و فرهنگ یونانی فرار نمی کردند. حتی آنها تا حدی تحت تأثیر آن قرار می گرفتند.

و گاهی اوقات، من متقاعد شده ام، نویسنده ای در عهد جدید اغلب از اصطلاحاتی استفاده می کند که در واقع نقطه تماس با جهان یونانی-رومی و خوانندگان دارد و همچنین برای جهان یهود و خوانندگان یهودی جذاب است. و کلمه انجیل نمونه خوبی از آن است. بنابراین، اول از همه، کلمه انجیل، جایی که مرقس آن را دریافت کرد، کلمه انجیل، یا خبر خوب، فقط یک کلمه مسیحی نیست که مرقس یا پولس یا شخص دیگری ساخته است.

این کلمه قبلاً در عهد عتیق آمده است، و به پیامبر برمی گردد، کدام یک را حدس زدید؟ اشعیا. اشعیا نبی، یا شما می گوید اشعیا. من همیشه باید خودم را توضیح دهم.

من به مدرسه رفتم و تحصیلات تکمیلی ام را در اسکاتلند انجام دادم، و آنها آیزایا را اینگونه تلفظ کردند. و این فقط به من چسبیده است، بنابراین هنوز هم آن را به این شکل می گویم. اما من مطمئن هستم که اگر آنها در اسکاتلند اینگونه می گویند، این راه درستی است.

باید درست باشد. اما اشعیا. به یاد داشته باشید، ما قبلاً گفتیم که او در مورد خروج جدید صحبت می کند، جایی که خدا، مانند آنچه در خروج اصلی انجام داد، مردم را از مصر خارج می کند.

او همچنین عیسی را به عنوان افتتاحیه خروج جدید به تصویر می کشد. او در مورد خلقت جدید صحبت می کند، خدا قومش را احیا می کند، وارد پیمان جدیدی می شود. این خبر خوش، انجیل، است که کتاب اشعیا در مورد آن صحبت می کند.

بنابراین کاری که مرقس انجام می دهد، با استفاده از کلمه انجیل یا خبر خوب، دوباره، این فقط یک اصطلاح جدید نیست. او دوباره نشان می دهد که عیسی مسیح تحقق وعده اشعیا برای احیای و نجات است. بنابراین، این اصطلاحی است که به عهد عتیق برمی گردد.

دوباره، با استفاده از خبر خوب، او کاری شبیه به کاری که متی انجام داد انجام می دهد، نشان می دهد که عیسی تحقق است، این خبر خوش رهایی در ملکوت خدا، حکومت بر همه چیز، خلقت جدید، پیمانی جدید با قومش. آن خبر خوب از اشعیا اکنون در شخص عیسی مسیح محقق می شود. بنابراین، من متقاعد شده ام که اولین خوانندگان مرقس وقتی شنیدند، این آغاز انجیل است، آنها به اشعیا برمی گشتند و می گفتند، بسیار خوب، حالا ما می فهمیم که این چیست.

اکنون وعده نجات، احیای قوم خدا، حکومت خدا بر قومش، و تمام زمین اکنون در شخص عیسی مسیح محقق می شود. با این حال، باز هم گفتیم که اغلب نویسندگان عهد جدید از واژگانی استفاده می کنند که در بیش از یک جهان طنین انداز می شود، نه تنها در جهان و ادبیات یهود بلکه در دنیای یونانی-رومی. بنابراین، به عنوان مثال، کلمه مژده یا انجیل نیز کلمه ای بود که در ارتباط با امپراتور استفاده می شد.

به عنوان مثال، تولد امپراتور به عنوان خبر خوب یا انجیل اعلام می شود، با استفاده از همان کلمه دقیقاً. یا رویدادهای دیگر پیرامون کاری که امپراتور انجام داده است یا چیزی در ارتباط با امپراتور خبر خوب یا انجیل است. بنابراین، این امکان نیز وجود دارد که، دوباره، خوانندگان، اگر اینها مسیحیانی باشند که در روم زندگی می کنند، وقتی خبر خوش را می شنوند، ممکن است تا حدودی یک ادعای خرابکارانه باشد، که انجیل اکنون، خبر واقعا خوب، با سزار مرتبط نیست، بلکه اکنون کسی است که اکنون آن را ادعا می کند، و آن شخص عیسی مسیح است.

خبر خوب واقعی نه حول آنچه سزار انجام می دهد، بلکه حول محور کاری است که عیسی مسیح اکنون برای قوم خود انجام می دهد و برای قوم خود انجام داده است. بنابراین این کلمه برای مرقس مهم است، اما همچنین نه تنها به نوعی خلاصه کردن آنچه کتاب او در مورد آن است، بلکه از این نقطه نظر که احتمالاً با دو پیشینه متفاوت طنین انداز می شود، هم یک یهودی از اشعیا پیامبر، اما همچنین یک دنیای یونانی-رومی، خبر خوش مرتبط با امپراتور یا چیزی که به امپراتور مربوط می شود. آخرین چیزی که باید با مارک به آن نگاه کنیم این است که قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، می خواهیم کمی در مورد اینکه مارک چگونه به پایان می رسد صحبت کنم، اما تا آنجا که مارک بر چه چیزی تأکید می کند، سؤالی دارید؟ شما به نوعی شروع به گرفتن تصویری از کاری که مارک انجام می دهد، چگونه انجیل خود را کنار هم قرار داده است، چه چیزی را می خواهد بر آن تأکید کند، و به ویژه موضوعات پیروزی و رنج، و اینکه چگونه او از طریق آنچه بر آن تأکید می کند به دست آورده است.

بسیار خوب، من می خواهم به طور خلاصه در مورد اینکه چگونه مرقس به پایان می رسد صحبت کنم، و اگر شما کتاب مقدس خود را باز کنید، مهم نیست که چه ترجمه ای دارید، تقریباً مهم نیست که چه ترجمه ای دارید، و من دوست دارم بتوانم از این بگذرم، اما مهم نیست که چه ترجمه ای دارید، بسیار آشکار است، و به محض اینکه به انتهای مرقس می رسید با آن روبرو می شوید، که تعجب می کنید چه خبر است. حال، اگر یک کتاب مقدس داشته باشید و آن را به مرقس فصل ۱۶ باز کنید، متوجه خواهید شد که چند آیه آخر، تقریباً آخرین فصل، در پرانتز در کتاب مقدس شما قرار گرفته اند. و سپس تقریباً همه آنها یک پاورقی در زیر آن پرانتز دارند.

مثلاً، مال من شروع می شود، این آیه ۹ مرقس فصل ۱۶ است، من شروع می شود، حالا، پس از اینکه او در اوایل روز اول هفته برخاست، ابتدا به مریم مجدلیه ظاهر شد، که ارواح پلید را از او بیرون کرده بود. او بیرون رفت و به کسانی که در سوگواری و گریه با او بودند گفت، اما وقتی شنیدند که او زنده است و او را دیده است، باور نکردند. پس از این، او به شکل دیگری به دو نفر از آنها ظاهر شد، و غیره و غیره.

بنابراین، شما این اشاره را دارید که عیسی برای افراد مختلف ظاهر می شود، که با مریم مجدلیه شروع می شود. سپس در آیات ۱۹ و ۲۰ به پایان می رسد، پس خداوند عیسی پس از اینکه با آنها صحبت کرد، به

آسمان برده شد و در دست راست خدا نشست. و سپس آنها بیرون رفتند و مژده را در همه جا اعلام کردند، در حالی که خداوند با آنها کار می کرد و پیام را با نشانه هایی که همراه با آن بود تأیید می کرد.

و این پایان انجیل است. با این حال، در آن بخشی که در آن برای شما خواندم، فکر می کنم، تقریباً هر ترجمه انگلیسی در پرنانتز قرار می گیرد، و سپس پاورقی کوچکی دارد که می گوید، برخی از بهترین و قدیمی ترین نسخه های خطی این پایان را ندارند. حالا، ما باید از آن چه بسازیم؟ مارک کجا به پایان رسید؟ آیا مرقس در آیه به پایان رسید... به عبارت دیگر، اگر این بخش را در پرنانتز بیاوریم، این نحوه پایان مارک است.

بنابراین، آنها با اشاره به زنان، زنانی که پس از مرگ عیسی به قبر می روند، او را در قبر قرار می دهند، سپس تنها چیزی که می گوید این است که زنان روز بعد، یکشنبه، به قبر می روند و آن خالی است. و سپس می گوید، بنابراین آنها رفتند و از قبر گریختند، برای وحشت و شگفتی آنها را گرفت، و آنها چیزی به کسی گفت، برای آنها ترسیده بودند. پایان داستان.

حال، این چه راهی برای پایان دادن به انجیل است؟ بنابراین، سوال این است که این پایان که شما در پرنانتز دارید، دوباره، همه کتاب مقدس شما این را دارند، باید نوعی پرنانتز یا پرنانتز وجود داشته باشد، و سپس یک پاورقی در جایی که می گوید، این پایان در برخی از قدیمی ترین و بهترین نسخه های خطی یافت نمی شود. چه کاری باید انجام دهیم؟ مارک کجا به پایان رسید؟ آیا او در آیه 8 به پایان رسید؟ اما این یک راه نسبتاً عجیب برای پایان دادن به انجیل است. با زنانی که به مقبره ها می روند، و سپس از ترس نمی روند به کسی بگویند؟ منظوری این است که آیا این راهی برای پایان دادن به انجیل است؟ یا اینکه مرقس این آیات 9 تا 20 را نوشت؟ آیا این پایان درستی است؟ منظوری این است که ما باید پایانی برای این داشته باشیم.

مطمئناً نمی توانید با این زنان که از ترس فرار می کنند و به کسی نمی گویند پایان دهید. شما باید بسته باشید. شما باید عیسی را به مردم نشان دهید، و باید این پیام را پخش کنید که عیسی برخاسته است، و سپس عیسی به آسمان صعود می کند، و شما باید انجیل را داشته باشید و مانند منی، مأموریت بزرگ، گسترش یابد.

اما به این شکل به آن فکر کنید. آیا ممکن است که این پایان توسط یک کاتب خوش نیت نوشته شده باشد که دقیقاً به این فکر کرده است؟ چگونه مرقس می تواند با آیه 8 به پایان برسد؟ این روش مناسبی برای نتیجه گیری یک انجیل نیست. به نوعی با این زنان به دلیل ترس به شکست ختم می شود.

آنها به کسی نمی گویند. آنها از ترس فرار می کنند و مژده رستاخیز عیسی را پخش نمی کنند. این چه راهی برای پایان دادن به انجیل است؟ بنابراین، به احتمال زیاد، یک کاتب خوش نیت، همانطور که مرقس برای نسل های بعدی کپی و منتقل می شد، یک کاتب خوش نیت احتمالاً به مرقس نگاه کرد و گفت، این راه مناسبی برای پایان دادن به این انجیل نیست.

من می خواهم آن را یک نتیجه گیری مناسب بدهم. و بنابراین، او 9 تا 20 را نوشت که شامل مریم است که به مردم می گوید، عیسی برای مردم ظاهر می شود، و پیام پخش می شود، و عیسی به آسمان صعود می کند. خوب، این موضوع جالبی را مطرح می کند.

پس چگونه می توانیم روشی را که مرقس مژده اش را به پایان رساند توضیح دهیم؟ چرا او اینطور تمام می شود؟ برخی پیشنهاد کرده اند، خوب، در واقع مارک نتیجه گیری کرده است، اما در جایی گم شده است، چه سگ آن را خورده باشد، یا کسی آن را پاره کرده باشد، یا هر اتفاقی افتاده است. اتفاقی برای پایان مارک افتاد. در واقع پایانی داشت، اما بعد از آیه 8 گم شد. این امکان وجود دارد، اما هیچ مدرکی وجود ندارد.

به سادگی هیچ مدرکی مبنی بر وقوع آن وجود ندارد. تنها مدرکی که داریم این است که انجیل ظاهراً در آیه 8 به پایان می‌رسد. بنابراین، می‌توانیم پیرسیم، چرا مرقس ممکن است مژده خود را اینگونه به پایان برساند؟ چرا او مانند متیو به آن پایان نمی‌دهد؟ در حالی که عیسی به شاگردان ظاهر شد و گفت، بروید و از جمیع امتها شاگرد شوید و من تا آخر زمان با شما خواهم بود. یا اشاره لوقا به صعود عیسی به آسمان و ظاهر شدن برای افراد مختلف پس از رستاخیزش.

مارک هیچ کدام از اینها را ندارد. در عوض، مارک با شکست به پایان می‌رسد. مارک با شکست این زنان در بیرون رفتن به پایان می‌رسد زیرا می‌ترسند، بیرون نمی‌روند و کاری انجام نمی‌دهند.

چرا مارک به آن پایان می‌دهد؟ نمی‌توانم تصور کنم که مرقس فکر می‌کرد که عیسی به کسی ظاهر نمی‌شود. من نمی‌توانم تصور کنم که مارک نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده است، به خصوص اگر او با پیتر مرتبط باشد و مترجم پیتر باشد. باورم نمی‌شود که مرقس نمی‌دانست که عیسی بر مردم ظاهر شد، و پیام منتشر شد، و عیسی صعود کرد، و او به شاگردانش گفت که انجیل‌ها را به همه ملت‌ها برسانید.

مطمئناً مارک چیزی در مورد آن می‌دانست. اما فکر می‌کنید چرا او انجیل را به روشی که انجام می‌دهد به پایان می‌رساند؟ چرا او اینقدر ناگهانی با شکست این زنان در رفتن به پایان می‌رسد، این واقعیت نیست که آنها زن هستند، چرا او با شکست پیروانش در بیرون رفتن به پایان می‌رسد، به دلیل ترس، آنها می‌ترسند بیرون بروند و هر چیزی بگویند. بنابراین، به پایان می‌رسد، آنها به کسی چیزی نگفتند زیرا می‌ترسیدند.

پایان داستان. شاید او از نوشتن خسته شده بود و فقط همینجا متوقف شد. فراموش کردم نتیجه‌گیری کنم.

فکر می‌کنید چرا او این نکته را در مورد به تصویر کشیدن این تصویر از مسیحیانی که می‌ترسند بیان می‌کند؟ دوباره، از نظر هدف کلی مرقس فکر کنید. چرا او بر این موضوع تأکید می‌کند؟ مسیحیانی که می‌ترسند انجیل را پخش نمی‌کنند چون از این کار می‌ترسند. بر شکست آنها در انجام این کار تأکید کنید.

دوباره، به آنچه در مرقس می‌گذرد فکر کنید. ما گفتیم هدف کلی چه بود؟ مارک برای چه کسی می‌نویسد؟ و چگونه ممکن است با آن مطابقت داشته باشد؟ بله، دقیقاً. آیا خوانندگان مارک به احتمال زیاد اینگونه نیستند، آیا این وضعیتی نیست که در آن قرار دارند؟ اگر آنها در حال مبارزه هستند و احساس می‌کنند که شکست خورده‌اند، پس این به سادگی راهی برای خطاب به خوانندگان او است.

به همین ترتیب، حتی در وقایع پیرامون رستاخیز عیسی، پیروان او هنوز شکست خوردند و آن را درک نکردند. بنابراین، این راه دیگری برای تشویق جامعه در حال مبارزه است که مارک خطاب به آن است. با این حال، من پیشنهاد می‌کنم که این فقط شکست نیست.

اگر به آیات ۶ و ۷ برگردید، وقتی زنان به قبر نزدیک می‌شوند، این پیکره را پیدا می‌کنند، این شکل درخشان، درخشان و فرشته‌ای را در قبر می‌بینند و این شکل به آنها می‌گوید، نگران نباشید. جالب است که آنها چه کاری انجام ندادند. نگران نباشید.

شما به دنبال عیسی ناصری هستید که مصلوب شده است. او بزرگ شده است. او اینجا نیست.

بین، جایی است که او در آن دراز کشیده است. اما بروید به شاگردانش و پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل می‌رود. در آنجا او را خواهید دید، همانطور که به شما گفت.

بنابراین، جالب اینجاست که هنوز تاکید بر حضور عیسی و وعده او وجود دارد. گویی مرقس می خواهد شکست شاگردانش را با وعده و حضور عیسی متعادل کند. که با وجود شکست شاگردان، وعده خدا همچنان غالب خواهد بود.

وعده های او پیروز خواهد شد و عیسی همچنان حضور او را وعده می دهد. گویی او هنوز در جلیل در انجیل منتظر آنها است. بنابراین، به شکست ختم می شود، شاید به این دلیل که، دوباره، این وضعیت خوانندگان مارک را منعکس می کند.

آنها ممکن است احساس کنند که شکست خورده اند، با ایمان خود دست و پنجه نرم می کنند و برای زندگی خود در رم تلاش می کنند. و اکنون عیسی، مرقس، شاگردان را حتی در هنگام رستاخیزش به همان شکل به تصویر می کشد، اما در عین حال آن را با وعده حضور او و این واقعیت که وعده های خدا واقعا محقق خواهد شد، متعادل می کند. خوب.

در مورد مارک سوالی دارید؟ بله. بله، حق با شماست. یکی دیگر وجود دارد.

تو درست می گویی. برخی از کتاب مقدس شما ممکن است پایان کوتاه تری نیز داشته باشند که فقط از یک یا دو آیه تشکیل شده است. همان چیز.

برخی از نسخه های خطی مرقس نسخه طولانی ندارند. آنها یک مورد کوتاه تر دارند. این نیز احتمالا تلاشی برای نتیجه گیری مناسب به مارک است.

اما، من پیشنهاد می کنم که مرقس ممکن است عمدا در آیه 8 به پایان رسیده باشد، به دلیل اینکه او می نویسد.

این دکتر دیو متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید خود را ارائه می دهد، سخنرانی 9، مرقس: پیشینه و موضوعات.